



جمهوری اسلامی ایران
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



مَدِیْطَر

سطر سطر زندگے با آیہ ہا



مسابقہ شماره ۳ / پنجشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۲

سطر سوم

ایمان آگاهانه

جزء ۳

ءَاَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا اُنْزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَاَمَنَ بِاللّٰهِ
وَمَلَائِكَتِهِ ۚ وَكُتُبِهِ ۚ وَرُسُلِهِ ۚ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا
سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا ۚ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا ۚ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

بقره، آیه ۲۸۵

- ایمانت را از کجا آوردی؟
- چه قدر برای ایمانت استدلال و منطق داری؟
- ایمانت مقلدانه است یا آگاهانه؟



وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهْنَ مَقْبُوضَهُ فَإِنْ
 مِنْ بَعْضِكُمْ بَعْضًا فُلْيُودِ الَّذِي أَوْثَمْنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ
 وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ إِيَّاهُمْ قَلْبُهُ وَاللَّهُ
 بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ
 تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ
 لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾
 ءَامِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامِنَ بِاللَّهِ
 وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ
 وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ
 ﴿٢٨٥﴾ لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ
 وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا
 رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْنَا
 وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾



مفت كنیم



قرآن تحقیق



﴿ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾ رسول الله [خود نیز به عنوان رهبر،] به آنچه بر او از سوی پروردگارش نازل شده، ایمان و اعتماد کامل دارد. ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَمَلَكَاتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ﴾ و مؤمنان هم، مانند رسول الله ایمان دارند، همه مؤمنان به خدا و ملائکه‌اش و کتاب‌هایش و پیامبرانش ایمان دارند. ﴿لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ﴾ [و براساس ایمان استوارشان گفتند:] میان هیچ‌یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم، [همه پیامبران در یک مسیرند و اتفاقاً سخن ما به پیروان دیگر پیامبران این است که از مسیر پیامبر خودتان منحرف شده‌اید؛ بیاید با هم، مسیر صحیح پیامبران را ادامه دهیم.] ﴿وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا﴾ و مؤمنان گفتند: به گوش جان شنیدیم و آگاهانه فهمیدیم و اطاعت کردیم؛ ﴿عُفِّرَانَكَ رَبَّنَا﴾ پروردگارا، آمرزش تو را خواستاریم ﴿وَالَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ و سرانجام همه، به سوی توست.





ما که کورانۀ عصاها می‌زنیم لاجرم قندیل‌ها را بشکنیم
شنیدن حرف‌های نشنیدنی و نشنیدن حرف‌های شنیدنی، آفتِ
جان‌سوز روزگار ماست. متأسفانه آدم‌ها به جای اینکه قلک‌های
سکه باشند، آن هم سکه‌های طلا، خمره‌های دوریالی‌اند؛ پُرند اما
پُر از حرف‌های کم‌بها و بی‌ارزش. یعنی می‌شنوند چیزهایی را که
هیچ ارزش شنیدن ندارند و نمی‌شنوند آنچه را که باید بشنوند!
و از شکوه‌های اهل دوزخ، شکوه از نشنیدن است و می‌گویند:
﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ﴾ اگر می‌شنیدیم، یعنی نشنیدیم و نگرفتیم،
در نتیجه گرفتار آمدیم.

در نقطه مقابل ایشان، اهل ایمانند که تمام هنرشان در شنیدن
است. یعنی سراپا هوش و گوشند ﴿وَقَالُوا سَمِعْنَا﴾ گفتند شنیدیم
و شنیده‌ها را هم نشنیده نگرفتیم؛ بلکه ﴿وَأَطَعْنَا﴾ یعنی به کار
بستیم و با همین کار، بار خود را بستند.





ایمان یک خصلت برجسته پیامبران خدا و مؤمنان و دنباله روان آن‌هاست. ایمان داشتن، باور داشتن به رسالت خود. فرق میان رهبران الهی و رهبران سیاستمدار جهانی در همین جاست. رهبر الهی مانند راهرو این راه، به آنچه می‌گوید، به گامی که برمی‌دارد، به راهی که می‌پیماید، با همه وجودش صمیمانه مؤمن است؛ درحالی‌که سیاستمداران عالم، احیاناً سخنان زیبایی و بیانات دلکش و شیوایی ممکن است داشته باشند؛ اما به آنچه می‌گویند، ایمان یا ایمانی به قدر لازم ندارند.^۱

ایمان دو جور است: یک جور ایمان مقلدانه، متعصبانه. چون پدران و بزرگ‌تران باور کرده بودند، ما هم باور کردیم. چون در کتاب ما، در حوزه دین ما، این جور می‌گویند، ما هم این جور می‌گوییم؛ ولو تو دلیل بیاوری، بی‌خود آوردی، حرف تو را قبول نمی‌کنیم. این هم یک نوع ایمان است؛ اما ایمانی است یا از روی تقلید یا از روی تعصب. دو جور است: یا از روی تقلید است، مثل عامه مردم. از نوع مردم اگر بپرسی "آقا، از کجا گفتی که پیغمبر اسلام حق است؟" هیچ نمی‌دانند. هیچ نمی‌دانند! چون پدرها گفتند، چون معلم توی مدرسه گفته، چون مردم کوچه بازار معمولاً می‌گویند پیغمبر حق است، این هم می‌گوید پیغمبر حق است!^۲

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۳، ص ۸۹.

۲. همان، جلسه ۳، ص ۹۷.



مثل همین ایمان مقلدانه است ایمان متعصبانه که بعضی‌ها حاضرند العیاذ بالله، به پیغمبرهای دیگر بی‌احترامی کنند، برای خاطر دل خوشی پیغمبر ما! خیال می‌کنند در ملکوت اعلی هم میان پیغمبران تناقض هست.^۱ این ایمان متکی به دلیل نیست، فقط از روی تعصب است و تعصب می‌دانید، یعنی جانب‌داری بدون دلیل، جانب‌داری از روی احساس، نه از روی منطق.^۲

[جور دوم،] ایمان آگاهانه است، ایمان توأم با درک و شعور است، ایمانی‌ست که از روی بصیرت، با چشم باز، بدون ترس از اشکال، به وجود آمده باشد. آن ایمانی که فلان مرد مسلمان دارد، برای نگه‌داشتنش باید بگوییم روزنامه نخواند، فلان کتاب را نخواند، در کوچه بازار راه نرود، با فلان کس حرف نزند، سرما و گرما نخورد، آفتاب و مهتاب نبیند، تا بماند؛ این ایمان متأسفانه نخواهد ماند. ایمانی لازم است که آن چنان آگاهانه انتخاب شده باشد که در سخت‌ترین شرایط هم آن ایمان از او گرفته نشود.^۳



با صدای استاد سیدعلی خامنه‌ای بشنوید.

۱. همان، جلسه ۳، ص ۹۸.

۲. همان، جلسه ۳، ص ۹۸.

۳. همان، جلسه ۳، ص ۱۰۱.